

سیمای آموزش و پرورش در جهان و ایران طی دوره ۱۹۹۳-۱۹۸۰

نویسنده: سعید قاسمیان *

چکیده

آموزش و پرورش، نقش مهمی در شکوفا ساختن استعدادها و خلاقیتهای سالخوان جمعیت کشور دارد. از این نظر، آموزش و پرورش به منزله عامل اصلی دستیابی کشور به توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تلقی می‌گردد.

این اهمیت در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، به مرتب بیش از کشورهای توسعه یافته است. این مطلب از سوی اقتصاددانان مختلف نیز مورد تأکید قرار گرفته است (شولتز، ۱۹۸۹). اما بررسی حاضر، نشان می‌دهد که به لحاظ توزیع امکانات و منابع وضیعت کشورهای در حال توسعه، با وجود افزایش سهم دانش آموزان آنها نسبت به کشورهای توسعه یافته، نامتعادلتر شده است. در این بررسی، می‌بینیم که در کشورهای توسعه یافته، با وجود کاهش سهم دانش آموزان طی دوره ۱۹۸۰-۱۹۹۳، از ۲۷ درصد به ۲۳ درصد، همچنان ۳۴ درصد کارکنان آموزشی و ۸۵ درصد منابع مالی آموزش و پرورش جهان را در سال ۱۹۹۳ به خود اختصاص داده‌اند.

از سوی دیگر، در کشورهای در حال توسعه، با افزایش سهم دانش آموزان این کشورهای، از ۷۳ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۷۷ درصد در سال ۱۹۹۳ منابع مالی آموزش و پرورش این کشورهای، از ۱۹ درصد به ۱۵ درصد کاهش یافته است. این واقعیت، نیازمند وجود بحران در تأمین منابع مالی بخش آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه است. این موضوع، گواه محدودیتهای فزاینده مالی دولتها در تأمین منابع مالی آموزش و پرورش و نیز نیازمندگی کاهش یکنی آموزش و پرورش می‌باشد. در آینده، روند افزایش سهم انتشارات بخش آموزش و پرورش، خاصه در کشورهای در حال توسعه، کاستی بیشتری خواهد گرفت. از این رو، مطالعات و بررسیهای علمی در این زمینه، نقش مؤثری در جلوگیری از این روند خواهد داشت.

مقدمه

سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی، یکی از عناصر اصلی پیشرفت ملت‌هاست. به ویژه سرمایه‌گذاری در آموزش و پژوهش، به دلیل بالا بودن نرخ بازدهی اجتماعی، از طرف مراجع علمی بین‌المللی به عنوان نوعی سرمایه‌گذاری با اولویت تلقی شده است. همچنین "بیشتر اقتصاددانان بر این باورند که سرمایه و منابع انسانی، مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین سرمایه‌ها برای ایجاد و استمرار رشد و توسعه هر کشور است" (ستاریفر، ۱۳۷۴).

آموزش و پژوهش، به دلیل گستردگی و تحت پوشش قرار دادن طیف وسیعی از جمعیت کشور، به منظور دستیابی به هدفهایی که در زیر برخی شماریم، باید از حمایتهای مالی و معنوی خاص برخوردار باشد:

(الف) ایمن‌سازی در برابر هر نوع گزند تهاجم فرهنگی و سیاسی ییگانه با پژوهش شخصیت و هویت ملی و اسلامی کودکان، نوجوانان و جوانان کشور؛

(ب) ایجاد آمادگی و روح پیشرفت و نوخواهی در دانش‌آموزان برای ورود به "عصر انقلاب دانایی"؛ زیرا "متغیر دانایی در توسعه امروز جهان، تا بدان حد گستردگی و عمیق‌گردیده، که اقتصاد جدید نمی‌تواند حتی برای یک ثانیه بدون دانایی انسانی عینی مجموعه‌ای از قوه‌تغیل، اشراق، دلسوزی، حساسیت، روانشناسی، و دیگر کیفیات انسانی اداره شود" (تافلر، ۱۳۷۰)؛

(ج) آموزش و پژوهش اجتماعی نوجوانان و جوانان به منظور پژوهش انسانهای پژوهش یافته؛

(د) پژوهش عادت به نظم و صرفه‌جویی در استفاده از منابع و موهاب طبیعی، زیرا "اگر ضرورت حیاتی جامعه ما این است که به امکانات خود متکی گردد و زمینه پیشرفت مداوم و تدریجی را پیدید آورد و از وابستگیهای خود بکاهد، چاره‌ای جز این نیست که امکانات و ثروتهاي طبیعی و انسانی خود را با راور سازیم. این کار جز با آموزش و پژوهش زمینه علمی و اجتماعی مناسب، مقدور نیست" (يونسکو، ۱۳۶۸).

از سوی دیگر، بالا بودن نرخ بازدهی در سطوح ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و متوسطه نسبت به آموزش‌های سطوح دیگر، توجیه‌گر تخصیص مجدد منابع محدود دولتی به این بخش است.

۱. جمعیت و جمعیت دانش‌آموزی

جمعیت جهان از ۴/۴ میلیارد نفر در سال ۱۹۸۰، با رشد متوسط سالانه ۱/۷ درصد، به ۵/۶ میلیارد

نفر در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. در این میان، سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به ترتیب، ۲۱/۸ و ۷۸/۲ درصد بوده است. جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۹۸۰، حدود ۰/۹ درصد جمعیت جهان را دارا بوده است، و در سال ۱۹۹۳، به حدود ۱/۱ درصد جمعیت جهان افزایش یافته است.

از سوی دیگر، در سال ۱۹۹۳، شمار کل دانشآموزان جهان به بیش از ۱ میلیارد (۱۰۴۱ میلیون) نفر رسیده است که سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به ترتیب، ۲۲/۸ درصد و ۷۷/۲ درصد است. در این میان، سهم ایران از کل جمعیت دانشآموزی جهان، ۱/۷ درصد است. با نگاهی به تصویر آموزش و پرورش جهان و مقایسه آن با کشور ایران، طی دوره ۱۹۸۰-۱۹۹۳، در می‌باییم که کشور ما با رشد متوسط سالانه جمعیت ۳/۹ درصد در سال، دارای رشد بالاتری نسبت به کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بوده است. از سوی دیگر، جوانی جمعیت ایران سبب شده است که رشد متوسط تعداد دانشآموزان در کشور ما ۵/۶ درصد باشد که از متوسط رشد جهان (۱/۵ درصد)، کشورهای توسعه یافته (۰/۲ درصد) و کشورهای در حال توسعه (۱/۹ درصد) بیشتر بوده است.

نسبت جمعیت دانشآموزی به جمعیت کل جهان در سال ۱۹۹۳ حدود ۱۸/۸ درصد، در کشورهای توسعه یافته ۱۹/۷ درصد، و در کشورهای در حال توسعه ۱۸/۵ درصد بوده است. در حالی که این نسبت در کشور ما ۲۷/۱ درصد است که بیانگر این واقعیت است که در این سال، حدود یک سوم جمعیت کشور ما به تحصیل اشتغال داشته‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. تصویری از آموزش و پرورش جهان در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۹۳

عنوان	جمعیت (هزار نفر)										
	درصد ۱ به ۲			(۲)				(۱)			
	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰
جهان	۱۸/۸	۱۸/۵	۱۹/۳	۱/۵	۱۰۴۱۴۹۶	۹۷۷۱۹۱	۸۵۸۲۳۵	۱/۷	۵۵۴۲۵۰۷	۵۲۸۶۸۴۳	۴۴۴۴۲۶۱
کشورهای توسعه یافته	۱۹/۷	۱۹/۷	۲۰/۶	۰/۲	۲۲۷۹۹۳	۲۲۴۴۴۰	۲۳۰۵۵۸	۰/۶	۱۲۰۹۴۷۰	۱۱۹۰۸۸۴	۱۱۱۷۵۰۹
کشورهای در حال توسعه	۱۸/۵	۱۸/۱	۱۸/۹	۱/۹	۸۰۳۵۰۲	۷۹۲۷۰۴	۶۲۷۶۷۷	۲/۱	۴۲۲۴۱۲۷	۴۰۹۲۹۵۹	۳۲۲۵۸۵۲
ایران	۲۷/۱	۲۵	۱۹/۶	۶/۵	۱۷۲۵۸	۱۹۷۵۰	۷۷۰۱	۲/۹	۵۹۱۶۹	۵۸۹۴۶	۳۱۲۵۴

۲. جمعیت نوآموزان پیش از دبستان

پژوهش‌های جدید نشان داده است که بیش از ۵۰ درصد زمینه رشد روانی، تربیتی و جسمی کودکان تا پیش از هفت سالگی صورت می‌گیرد. بنابراین، آموزش و پرورش پیش از دبستان، از حاسترین و مهمترین مراحل رشد انسان است. هدفهای دوره پیش از دبستان در کشورهای مختلف، متفاوت است، و به طور کلی، شامل پنج هدف اساسی زیر می‌باشد:

الف) رشد و شکوفایی استعدادها و تواناییهای ذاتی کودک،

ب) آماده شدن برای ورود به آموزش رسمی،

ج) شکل‌گیری ارزش‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی در کودک،

د) جایگزینی خلاصه عاطفی، عقلانی، اجتماعی و روانی مادر در اوقاتی که به نیروی کار او در جامعه نیاز است،

ه) شکستن دور باطل فقر، بی‌سودایی و عقب‌ماندگی کودکان، و در چرخه رشد و بالندگی قرار گرفتن.

در ایران، فقط هدف "ب" مدنظر قرار گرفته است و تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد از کودکان این سنین، جذب واحدهای پیش از دبستان شده‌اند.

تحولات آموزش و پرورش پیش از دبستان، طی دوره ۱۹۸۰-۱۹۹۳ در جهان، حاکی از آن است که تعداد نوآموزان این دوره از ۵۸ میلیون نفر، با رشد متوسط سالانه‌ای معادل $\frac{3}{5}$ درصد، به ۹۰ میلیون نفر در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. در این میان، سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به ترتیب، برابر $\frac{3}{8}$ درصد و $\frac{6}{1}$ درصد است و سهم کشور ایران از کل جمعیت نوآموزان پیش از دبستان جهان ۱/۰ درصد است. از کل جمعیت نوآموزان پیش از دبستان جهان، حدود ۴۸ درصد را دختران تشکیل می‌دهند. میزان این شاخص در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته تقریباً همین ۴۸ درصد است (جدول ۲).

با توجه به سهم ناچیز آموزش پیش از دبستان در ایران، امکان توسعه و گسترش این بخش از آموزش و پرورش نیز وجود دارد. با بهره‌گیری از تجربه کشورهای مختلف در این خصوص، کارهای مؤثر و تازه‌ای را با توجه به اهمیت این دوره می‌توان آغاز کرد. برای مثال، دعوت از کودکان شش ساله برای یک روز در هفته به دبستان با تدارک و ترتیب دادن برنامه قصه و بازی دسته جمعی و نقاشی و کاردستی برای ایشان، آموزش مریبان کودک، انتشار مجله برای مریبان

کودک و آموزش مادران، از جمله اقدامات اولیه برای رشد و شکوفایی میلیونها کودک زیر شش ساله در آموزش و پرورش پیش از دبستان کشورمان می‌باشد (انجمن پژوهش‌های آموزشی پویا، ۱۳۷۰).

جدول ۲. تصویری از آموزش و پرورش پیش از دبستان جهان در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۹۳

درصد به ۱			جمعیت نوآموزان دختر (هزارنفر)			جمعیت نوآموزان (هزارنفر)			عنوان
۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	
۴۷/۹	۴۸/۲	۴۸/۱	۴۳۳۵۰	۴۰۶۲۰	۲۷۸۳۴	۹۰۵۷۳	۸۴۱۷۹	۵۷۸۹۴	جهان
۴۸/۳	۴۸/۷	۴۸/۸	۱۵۸۱۲	۱۷۹۵۴	۱۶۰۰۹	۳۴۷۹۲	۳۶۸۹۶	۳۲۸۰۰	کشورهای توسعه یافته
۴۷/۶	۴۷/۹	۴۷/۱	۲۶۵۳۸	۲۲۶۶۶	۱۱۸۲۵	۵۵۷۸۱	۴۷۲۸۳	۲۵۰۹۴	کشورهای در حال توسعه
۴۸/۵	۴۷/۶	۴۷/۱	۶۴	۱۰۸	۸۱	۱۳۲	۲۲۷	۱۷۲	ایران

مأخذ: Unesco, 1995, pp. 2-10, 2-11.

۳. جمعیت دانشآموزی دوره ابتدایی

براساس محاسبات انجام شده، آموزش و پرورش ابتدایی، پربازدۀ ترین سطح آموزش از نظر بازده اجتماعی به شمار می‌رود و به عنوان آموزش پایه در جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. این آموزش، از نظر نقش و اهمیت آن در توسعه و نیز از دید علوم تربیتی اولویت و اهمیت ویژه‌ای دارد.

وضعیت آموزش و پرورش دوره ابتدایی، طی دوره ۱۹۹۳-۱۹۸۰، حاکی از آن است که تعداد دانشآموزان ابتدایی جهان با رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱/۱ درصد از ۵۳۹ میلیون نفر، به ۶۲۲ میلیون نفر در سال ۱۹۹۳ رسیده است. به بیان دیگر، سالانه به طور متوسط ۶/۴ میلیون نفر به دانشآموزان ابتدایی جهان افزوده شده است. در این میان، سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به ترتیب، برابر ۱۴/۳ درصد و ۸۵/۷ درصد است و سهم کشور ایران از کل جمعیت دانشآموزی دوره ابتدایی جهان ۱/۶ درصد است.

از سوی دیگر، مقایسه نرخ رشد متوسط سالانه دانشآموزان ابتدایی در سالهای

۱۹۸۰-۱۹۹۳، یانگر این واقعیت است که رشد متوسط سالانه تعداد دانشآموزان در کشورهای توسعه یافته، برابر صفر درصد و در کشورهای در حال توسعه $1/3$ درصد و در ایران برابر $7/5$ درصد بوده است که نرخ رشد متوسط در ایران $2/5$ برابر متوسط جهان و $4/4$ برابر رشد متوسط کشورهای در حال توسعه بوده است. علل رشد دانشآموزی در کشور ما را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- الف) بالا رفتن میزان باروری زنان و کاهش مرگ و میر؛
- ب) مهاجرت روستاییان به شهرها، و به تبع آن، فراهم شدن امکان استفاده از مدرسه؛
- ج) افزایش تقاضای تحصیل، به ویژه دختران؛
- د) توسعه مدارس روستایی؛

همچنین طی دوره مورد بررسی، سهم دانشآموزان ابتدایی به کل جمعیت دانشآموزی در جهان، از $9/62$ درصد به $7/59$ درصد کاهش یافته است که این روند در کشور مانیز وجود داشته و مقدار این شاخص از $3/62$ درصد به $8/56$ درصد کاهش یافته است (جدول ۳).

جدول ۳. تصویری از آموزش و پرورش ابتدایی جهان در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۹۳

عنوان	جمعیت دانشآموزی ابتدایی (هزار نفر)											
	(۲)					(۱)						
	درصد ۲ به ۱	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	۱۹۹۲	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰
جهان		۵۹/۷	۶۰/۷	۶۲/۹	$1/1$	۶۲۲۰۵۹	۵۹۳۱۷۷	۵۳۹۴۷۱	$1/5$	۱۰۴۱۴۹۶	۹۷۷۱۴۹	۸۵۸۲۳۵
کشورهای توسعه یافته		۳۷/۴	۳۷/۶	۳۸/۴	$0/0$	۸۹۰۲۹	۸۸۰۴۹	۸۸۴۵۱	$0/2$	۲۲۷۹۹۲	۲۲۴۴۴۵	۲۲۰۵۵۸
کشورهای در حال توسعه		۶۶/۲	۶۸	۷۱/۹	$1/2$	۵۳۲۰۳۰	۵۰۵۱۲۸	۴۸۱۰۱۲	$1/9$	۸۰۳۵۰۳	۷۴۲۷۰۴	۶۲۷۸۷۷
ایران		۵۶/۸	۶۲/۵	۶۲/۲	$5/7$	۹۸۶۳	۹۲۶۹	۴۷۶۹	$6/5$	۱۷۲۵۸	۱۴۷۶۵	۷۷۰۱

منابذ: Unesco, 1995, pp. 2-12, 2-13, 3-103.

۴. جمعیت دانشآموزی دوره راهنمایی تحصیلی و متوسطه

آموزش و پرورش راهنمایی تحصیلی و متوسطه نیز بعد از آموزش و پرورش ابتدایی دارای بازده

اجتماعی بالایی هستند. با توجه به اینکه در دنیای آینده، حداقل سواد، پایان دوره متوسطه می‌باشد، حل مسائل مربوط به این دوره‌ها نیز از اهمیت خاصی برخوردار است.

تحولات آموزش و پرورش دوره راهنمایی و متوسطه طی دوره ۱۹۹۳-۱۹۸۰ حاکی از آن است که تعداد دانشآموزان این دوره‌ها از ۲۶۸ میلیون نفر، با رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۲ درصد، به ۳۴۱ میلیون نفر در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. به بیان دیگر، سالانه، به طور متوسط، معادل ۶/۵ میلیون نفر به دانشآموزان این دوره‌ها در جهان افزوده شده است. در این میان، سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به ترتیب، ۳۱/۳ و ۳۱/۷ درصد است. سهم کشور ایران از کل جمعیت دانشآموزی دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه جهان ۲ درصد است و نیز رشد متوسط سالانه تعداد دانشآموزان این دوره‌ها در ایران ۳/۸ درصد بوده که چهار برابر این نرخ در سطح جهانی می‌باشد (جدول ۴).

جدول ۴. تصویری از آموزش و پرورش راهنمایی و متوسطه جهان در سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۰

عنوان	جمعیت دانشآموزی (هزار نفر)											
	درصد			جمعیت دانشآموزی راهنمایی و متوسطه (هزار نفر)			درصد			جمعیت دانشآموزی (هزار نفر)		
(۱)	(۲)	(۳)	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	
جهان	۲۲/۷	۲۲/۳	۳۱/۲	۲/۰	۲۶۱۰۶۳	۳۱۰۶۱۲	۲۶۰۱۸۷	۱/۵	۱۰۴۱۹۹۶	۹۷۷۱۴۹	۸۸۸۲۲۳۵	
کشورهای توسعه یافته	۴۵	۴۵/۶	۴۶/۸	-۰/۱	۱۰۷۱۱۳	۱۰۶۸۴۷	۱۰۷۸۵۳	۰/۲	۲۲۷۱۹۳	۲۲۴۴۹۵	۲۳۰۵۵۸	
کشورهای در حال توسعه	۲۹/۱	۲۸/۱	۲۵/۵	۲/۲	۲۲۳۹۵۰	۲۰۸۵۶۵	۱۶۰۳۲۹	۱/۹	۸۰۳۵۰۲	۷۶۲۷۰۴	۶۲۷۶۷۷	
ایران	۴۰/۷	۴۴/۴	۴۵/۳	۸/۲	۷۰۵۹	۵۰۸۹	۲۷۱۸	۵/۵	۱۷۳۵۸	۱۴۷۶۵	۷۷۰۱	

۵. جمعیت دانشجویی

آمار آموزش و پرورش دانشگاهی طی سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۰ نشان می‌دهد که تعداد دانشجویان جهان با رشد متوسط سالانه‌ای معادل $\frac{5}{7}$ درصد از ۵۰ میلیون نفر به ۷۸ میلیون نفر در سال ۱۹۹۳ رسیده است. به سخن دیگر، سالانه به طور متوسط، $\frac{1}{2}$ میلیون نفر به دانشجویان جهان افزوده شده است.

شاخص نسبت جمعیت دانشجویی به کل جمعیت دانشآموزی جهان، $\frac{5}{9}$ درصد در سال ۱۹۸۰ بوده که به $\frac{7}{5}$ درصد در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. میزان این شاخص در کشورهای توسعه یافته در سال ۱۹۸۰، معادل $\frac{7}{5}$ برابر کشورهای در حال توسعه بوده که در سال ۱۹۹۳ به $\frac{3}{9}$ برابر کاهش یافته است. این روند، نشان‌دهنده افزایش تقاضای فزاینده تحصیلات آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه می‌باشد که پاسخگویی به آن از مسائل اصلی این کشورها در حال و آینده است. میزان شاخص در ایران، از $\frac{2}{4}$ درصد به $\frac{5}{5}$ درصد افزایش یافته است که با احتساب دانشجویان دانشگاههای غیردولتی به $\frac{7}{5}$ درصد می‌رسد که این رقم، از کشورهای در حال توسعه بیشتر است (جدول ۵).

جدول ۵. تصویری از آموزش عالی جهان در سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۰

درصد	جمعیت دانشجویی (هزار نفر)						جمعیت دانشآموزی (هزار نفر)				عنوان
	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)	
۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	جهان
$\frac{7}{5}$	۷	$\frac{5}{9}$	$\frac{2}{7}$	۷۸۲۷۴	۵۸۵۸۰	۵۰۵۷۸	$\frac{1}{5}$	۱۰۴۱۴۹۶	۹۷۷۱۴۹	۸۵۸۲۳۵	کشورهای توسعه یافته
$\frac{17}{6}$	۱۶/۹	۱۴/۹	$\frac{1}{7}$	۴۱۸۵۱	۳۹۵۹۹	۳۴۲۴۸	$\frac{0}{2}$	۲۳۷۹۹۲	۲۲۴۴۴۵	۲۳۰۵۵۸	کشورهای در حال توسعه
$\frac{4}{5}$	۳/۱	۲/۶	$\frac{5}{9}$	۲۶۵۲۲	۲۹۰۱۱	۱۵۲۳۲	$\frac{1}{9}$	۸۰۴۵۰۳	۷۶۴۷۰۴	۵۲۷۶۷۷	ایران
$\frac{2}{5}^0$	۲/۱	۲/۴	$\frac{7}{5}$	۴۳۶	۳۱۲	۱۸۴	$\frac{6}{5}$	۱۷۲۵۸	۱۴۷۶۵	۷۷۰۱	

* با احتساب دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و سایر دستگاهها، این شاخص به $\frac{5}{7}$ درصد می‌رسد.

مأخذ: Unesco, 1995, pp. 2-12, 2-13.

۶. جمعیت دانش آموزی دختران

کل جمعیت دانش آموزی دختران جهان در سال ۱۹۸۰، برابر ۳۸۰ میلیون نفر بوده که با رشد متوسط سالانه ۱/۷ درصد به ۴۷۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. از کل جمعیت دانش آموزی ایران در سال ۱۹۹۳، حدود ۴۵/۲ درصد را دختران تشکیل می‌دهند که این رقم در مقایسه با متوسط جهان (۴۵/۷ درصد) و کشورهای توسعه یافته (۴۹/۸ درصد) مقداری کمتر و از کشورهای در حال توسعه (۴۴/۵ درصد) بیشتر است. در ضمن، رشد متوسط سالانه دانش آموزان دختر در ایران در دوره ۱۹۹۳-۱۹۸۰، حدود ۷/۲ درصد است که این میزان ۴/۲ برابر رشد متوسط جهان و ۳/۱ برابر کشورهای در حال توسعه (۱/۹ درصد) و ۱/۳ برابر کشورهای توسعه یافته است. این امر، بیانگر توجه خاص جمهوری اسلامی ایران به آموزش و پرورش این بخش عظیم جمعیت کشور و اعتماد والدین به ویژه در روستاهای فرستادن دختران برای تحصیل در مدارس می‌باشد (جدول ۶).

جدول ۶. تصویری از آموزش و پرورش دختران جهان در سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۰

عنوان	جمعیت دانش آموزی دختر (هزار نفر)											
	درصد ۲ به ۱			(۲)				(۱)				
۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	
جهان	۴۵/۷	۴۵/۴	۴۴/۳	۱/۷	۴۷۶۱۷۷	۴۴۳۲۹۱	۳۸۰۱۵۹	۱/۵	۱۰۴۱۴۹۶	۹۷۷۱۴۹	۸۵۸۲۲۵	
کشورهای توسعه یافته	۴۹/۸	۴۹/۵	۴۹/۱	۰/۴	۱۱۸۴۲۷	۱۱۶۱۲۷	۱۱۲۱۰۹	۰/۲	۲۲۷۹۹۲	۲۲۴۴۴۵	۲۲۰۵۵۸	
کشورهای در حال توسعه	۴۴/۵	۴۴/۱	۴۲/۵	۲/۲	۳۵۷۷۱۰	۳۲۷۲۶۴	۲۶۷۰۰۵	۱/۱	۸۰۳۵۰۲	۷۶۲۷۰۴	۶۲۷۸۷۷	
ایران	۴۵/۲	۴۴/۲	۴۱	۷/۲	۷۸۴۱	۶۵۲۷	۳۱۵۰	۶/۵	۱۷۳۵۸	۱۴۷۵۵	۷۷۰۱	

مأخذ: Unesco, 1995, pp. 2-12, 2-13.

۷. پوشش تحصیلی ظاهری تمام سطوح آموزشی

این شاخص، حاصل تقسیم شمار دانش آموزان تمام سطوح آموزشی به جمعیت لازم التعلیم

من باشد. طی دوره مورد بررسی، شاخص پوشش تحصیلی ظاهری تمام مقاطع آموزشی جهان، از ۱/۵۵ درصد در سال ۱۹۸۰، به ۵۹/۲ درصد در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. در حالی که در کشورهای توسعه یافته این شاخص از ۷۶ درصد به ۸۲/۳ درصد و در کشورهای در حال توسعه از ۵۰/۱ درصد به ۵۴/۷ درصد افزایش یافته است. این شاخص، در بین دانشآموزان دختر جهان و کشورهای در حال توسعه، کمتر از متوسط کل و در کشورهای توسعه یافته بیشتر از متوسط کل بوده است. میزان این شاخص در کشور ما، از ۵۴ درصد به ۵۸ درصد افزایش یافته است. میزان افزایش این شاخص در کشور در بین دانشآموزان دختر بیشتر از دانشآموزان پسر بوده است (جدول ۷).

جدول ۷. تصویری از پوشش تحصیلی ظاهری جهان در سالهای ۱۹۸۰-۱۹۹۳

پوشش تحصیلی ظاهری کل (درصد)				پوشش تحصیلی ظاهری دختران (درصد)				پوشش تحصیلی ظاهری پسران (درصد)				عنوان
(۱)		(۲)		(۳)								
کشورهای توسعه یافته	جهان	کشورهای در حال توسعه	جهان	ایران*	جهان	کشورهای توسعه یافته	جهان	ایران*	کشورهای در حال توسعه	جهان	کشورهای توسعه یافته	جهان
۰/۴	۶۲/۸	۶۰/۸	۵۹/۹	۰/۸	۵۵/۵	۵۳/۱	۵۰/۰	۰/۶	۵۹/۲	۵۷/۱	۵۵/۱	جهان
۰/۵	۸۰/۹	۷۹/۸	۷۵/۱	۰/۷	۸۳/۷	۸۱/۹	۷۶/۲	۰/۶	۸۲/۳	۸۰/۸	۷۶/۰	کشورهای توسعه یافته
۰/۱	۵۹/۲	۵۷	۵۶/۱	۱/۰	۵۰/۰	۴۷/۲	۴۳/۷	۰/۷	۵۱/۷	۵۲/۲	۵۰/۱	کشورهای در حال توسعه
۰/۹	۶۲	۶۰	۵۹	۰/۱	۵۹/۰	۵۲/۰	۴۸/۰	۰/۶	۵۸/۰	۵۵/۰	۵۴/۰	ایران*

* برآورد

مأخذ: Unesco, 1995, pp. 2-26, 2-27.

۸. نیروی انسانی شاغل در آموزش

نیروی انسانی شاغل در آموزش (کادر آموزشی) در جهان، در سال ۱۹۹۳، حدود ۴۹/۵ میلیون نفر بوده است که این میزان نسبت به رقم متناظر سال ۱۹۸۰ که حدود ۳۸/۱ میلیون نفر بود، از رشدی معادل ۲ درصد برخوردار بوده است. در سال ۱۹۹۳، حدود ۲۴ درصد کادر آموزشی برابر ۱۶/۹ میلیون نفر در کشورهای توسعه یافته و ۶۶ درصد معادل ۲۲/۷ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه به فعالیتهای آموزشی اشتغال داشته‌اند.

شاخص نسبت جمعیت دانشآموزی به کادر آموزشی در جهان، از ۲۳ نفر در سال ۱۹۸۰، به ۲۱ نفر در سال ۱۹۹۳ کاهش یافته است. در حالی که در ایران، این شاخص از ۱۹ نفر در سال ۱۹۸۰ به ۲۲ نفر در سال ۱۹۹۰ و به ۲۵ نفر در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است.

شاخص نسبت مشارکت زنان در ارائه آموزش، بیانگر این است که ۵۲ درصد کادر آموزشی را

در جهان زنان تشکیل می‌دهند. این نسبت در کشورهای توسعه یافته برابر ۵۶ درصد، در کشورهای در حال توسعه برابر ۴۵ درصد، و در ایران برابر ۴۶ درصد می‌باشد (جدول ۸).

جدول ۸. تصویری از نیروی انسانی (کادر آموزشی) آموزش و پرورش جهان در سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۰

درصد ۱ به ۲			جمعیت دانشآموزی (هزار نفر)						نیروی انسانی آموزشی (هزار نفر)			عنوان
			(۲)			(۱)						
۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشد متوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰		
۲۱	۲۱	۲۲	۱/۵	۱۰۴۱۴۹۵	۹۷۷۱۴۹	۸۵۸۲۲۵	۲/۰	۴۹۵۰۱	۴۵۷۹۳	۳۸۱۲۴	جهان	
۱۶	۱۵	۱۶	۰/۲	۲۳۷۹۹۳	۲۳۴۴۹۵	۲۲۰۰۸	۱/۲	۱۵۸۲۰	۱۵۱۰۲	۱۴۳۹۹	کشورهای توسعه یافته	
۲۵	۲۴	۲۶	۱/۹	۸۰۲۵۰۳	۷۴۲۷۰۴	۶۲۷۵۷۷	۲/۵	۳۲۶۷۱	۳۰۵۹۱	۲۳۷۲۵	کشورهای در حال توسعه	
۲۵	۲۲	۱۹	۶/۵	۱۷۲۸۸	۱۴۷۸۵	۷۷۰۱	۴/۲	۷۰۰	۶۰۸	۴۰۸	ایران*	

* برآورد

مأخذ: Unesco, 1995, pp. 2-12, 2-13, 2-17, 2-18.

۹. هزینه‌های آموزش و پرورش

هزینه‌های آموزش و پرورش جهان، از ۷/۵۲۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰، به ۱۱۷۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳، افزایش یافته که نرخ رشد متوسط سالانه آن، ۴/۶ درصد است. این نرخ رشد در کشورهای توسعه یافته برابر ۸/۶ درصد و در کشورهای در حال توسعه ۴/۵ درصد بوده است. از کل مبلغ اختصاص یافته به آموزش و پرورش در سال ۱۹۸۰، معادل ۱۹ درصد به کشورهای در حال توسعه و ۸۱ درصد به کشورهای توسعه یافته اختصاص داشته است که این نسبت در سال ۱۹۹۳ به ترتیب ۱۵/۴ و ۸۴/۶ درصد به ضرر کشورهای در حال توسعه تغییر یافته است. به سخن دیگر، فاصله هزینه‌های آموزش و پرورش بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه بیشتر شده است.

نسبت هزینه‌های آموزش و پرورش به محصول ناخالص ملی در سال ۱۹۹۳ در جهان برابر ۱/۵ درصد، در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به ترتیب، برابر ۵/۳ درصد و ۱/۴ درصد بوده است. این در حالی است که در ایران این شاخص، ۴/۵ درصد بوده است که موقعیت برتر ایران را در مقایسه با کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد. البته برای مقایسه صحیح بین آموزش

و پرورش کشورها، باید مجموعه‌ای از شاخصها در نظر گرفته شود. هزینه سرانه هر نفر از جمعیت جهان در سال ۱۹۸۰، برابر ۱۲۹ دلار بوده که به ۲۲۹ دلار در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. این شاخص در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در سال ۱۹۹۳، به ترتیب، برابر ۱۰۸۹ دلار و ۴۳ دلار بوده است. این شاخص، یانگر این واقعیت است که کشورهای توسعه یافته برای یک نفر از جمعیت خود، به طور متوسط، حدود ۲۵ برابر بیش از کشورهای در حال توسعه صرف سرمایه گذاری می‌نمایند، و بدین ترتیب، از آثار چنین سرمایه گذاری سودمندی بهره‌مند می‌گردند (جدول ۹).

جدول ۹. تصویری از هزینه‌های آموزش و پرورش جهان در سالهای ۱۹۹۳-۱۹۸۰

هزینه سرانه آموزشی هر نفر از جمعیت (دلار)	هزینه‌های آموزش و پرورش به GNP (درصد)			نسبت هزینه‌های آموزش و پرورش (میلیارد دلار)			عنوان			
	(۱)	(۲)	(۳)	جهان	کشورهای توسعه یافته	کشورهای در حال توسعه	ایران (میلیارد ریال)			
۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشدمتوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰	رشدمتوسط	۱۹۹۳	۱۹۹۰	۱۹۸۰
۲۲۹	۲۰۸	۱۲۹	۰/۳	۵/۱	۴/۹	۴/۶	۵/۶	۱۱۷۶/۰	۱۰۱۷/۰	۵۲۶/۷
۱۰۸۹	۹۵۰	۵۰۰	۰/۱	۵/۲	۵/۱	۵/۲	۶/۸	۹۹۵/۵	۸۵۲/۶	۴۲۴/۵
۴۳	۴۱	۳۲	۰/۶	۴/۱	۴/۰	۲/۸	۴/۵	۱۸۰/۵	۱۶۳/۴	۱۰۲/۲
			۲/۲	۵/۴	۴/۱	۲/۶	۱۹/۴	۴۹۷۸/۵	۱۴۹۳/۹	۴۹۸/۳

مأخذ: Unesco, 1995, pp. 2-28.

۱۰. جمعبندی و نتایج

در این مقاله، کوشیدیم تا تصویری واقعی از آموزش و پرورش جهان و جایگاه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، از جمله ایران ارائه دهیم. قسمت اول گزارش، اختصاص به جمعیت و جمعیت دانشآموزی جهان و تعیین جایگاه ایران داشت، و در قسمتهای بعدی، به ترتیب، جمعیت نوآموزان پیش از دبستان، جمعیت دانشآموزی دوره ابتدایی، جمعیت دانشآموزی دوره‌های راهنمایی تحصیلی و متوسطه، جمعیت دانشجویی، جمعیت دانشآموزی دختران، پوشش تحصیلی ظاهری در تمام سطوح آموزشی، کادر آموزشی، هزینه‌های آموزش و پرورش را تحلیل نمودیم. همان طور که در قسمتهای فوق ملاحظه گردید، تقاضای فزاینده تحصیل به همراه محدودیت منابع مالی و نزول کیفیت از مسائل اصلی آموزش و پرورش جهان، به ویژه کشورهای در حال توسعه، طی دوره ۱۹۸۰-۱۹۹۳ بوده است. از این رو، با توجه به جایگاه آموزش و پرورش در توسعه و توجه به این امر که آموزش و پرورش عمومی جزو اولویتهای اصلی بخشهای فرهنگی،

آموزشی و پژوهشی به شماره می‌رود و نیز بالا بودن نرخ بازده اجتماعی آموزش عمومی نسبت به دیگر بخش‌های آموزشی و نیاز مبرم به بهبود کیفی آن، اجرای پیشنهادهای زیر ضروری به نظر می‌رسد.

الف) شروع مطالعات دورنگرانه ۲۵ ساله در مسائل مختلف آموزش و پرورش و یافتن راه حل‌های علمی با عنایت به راهبرد جهانی اندیشیدن و ملی عمل کردن؛

ب) تخصیص مجدد منابع به نفع بخش آموزش و پرورش و یافتن راههای متنوع منابع مالی در آموزش و پرورش منطبق با اصول قانون اساسی؛

ج) یافتن راههای افزایش کارایی داخلی آموزش و پرورش با شروع نوسازی آموزشی و پرورشی از نظام مدیریت آموزشی آن؛

د) نوسازی روشها و محتوای آموزش و پرورش بر مبنای آموزش و پرورش علمی با اولویت آموزش ابتدایی (پایه) و در جهت پرورش روح پژوهش و تجربه، به منظور تربیت انسان توسعه یافته.

امید است با مطالعه پیشنهادهای فوق و بازنگری هدفها و سیاستهای اجرایی کنونی از سوی دستگاههای اجرایی ذی‌ربط و پیگیری آن از سوی سازمان برنامه و بودجه، بخش عمدۀ معضلات اصلی نظام آموزش و پرورش کشور که نقطه اتکا و پایه انقلاب اسلامی است حل گردد. بدین ترتیب، تسریع لازم در دستیابی کشور به توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور فراهم شود و مردم از آثار آن که از بین رفتن فقر و معروضیت، دستیابی به عدالت اجتماعی، بهره‌وری سرمایه‌ها و نیروی کار، و ایجاد یک محیط اجتماعی توسعه یافته است، برخوردار گردد.

منابع

الف) فارسی

۱. تافلر، الین (۱۳۷۰). جاگایی در قدرت. ترجمه شهیندخت خوارزمی. تهران.
۲. رؤوف، علی (۱۳۷۰). نگاهی به آموزش و پرورش پیش از دبستان در جهان امروز. تهران: انجمن پژوهش‌های آموزشی پویا.
۳. ستاریفر، محمد (۱۳۷۴). درآمدی بر سرمایه و توسعه. دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. شولتز، تودور (۱۹۸۹). سرمایه گذاری در مردم: آموزش در کشورهای کم درآمد. ترجمه سعید قاسمیان و سید جعفر سجادیه. فصلنامه تعلیم و تربیت. سال پنجم، شماره ۴.
۵. یونسکو (۱۳۶۸). تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش. ترجمه محمدعلی امیری. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

ب) انگلیسی

5. Unesco (1995). Statistical Yearbook 1995, Paris: Unesco.